

شهرت اصحاب دعوی و نوع آن			
موضوع دعوی	ادعای سهم میراثی	مدعی وکیل مدافع	
محل دعوی	دیوان مدنی استیناف	مدعی علیه	
تاریخ	1398/11/9	وکیل مدافع	



ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان
ستره محکمه
ریاست محکمه استیناف بدخشان
دیوان مدنی و حقوق عامه
فارمت احکام قطعی دیوان مدنی و حقوق عامه
استیناف در قضایای حقوقی
شماره (16)

شهرت قضات	
اسم	هئیت قضای دیوان مدنی و حقوق عامه محکمه استیناف
تخلص	
وظیفه	

مدعی مذکور در ر یک قطعه باغ به مساحت دو جریب واقع در قریه چچی مغزار فی جریب به قیمت (400000) چهار صد هزار افغانی که قیمت دو جریب مبلغ (800000) هشت صد هزار افغانی میشود و حدود اربعه آن درج گزارش هئیت موظف میباشد. همین محدوده فوق الذکر در اصل ملک مرحوم پدرم بوده و مادام الحیات استفاده مینمود وی در سال 1368 به اجل الهی وفات نمود محدودات فوق الذکر را مع دیگر متروکات خود به ورثه شرعیه مستحقه مندرجه وثیقه حصر وراثت نمبر (37) مورخ 1398/8/15 صادره محکمه ابتدائیه بهارک باقی ماند مجموعه متروکه بعد از تصحیح (13824) میشود که از جمله سهم من مدعی (2360) سهم معادل (686/45) متر مربع زمین آبی از محدوده فوق الذکر میشود که مدعی علیه هذا تندیاری نکرده و ندارد نمیخواهد که متروکه پدري مان ترکه شود در حالیکه در وقت حیات پدر مان زمین مدعا بهای هذا را پدرم تبادل نموده بود که قباله به قلم پدرم مدعی علیه تحریر شده است و خود پدر مدعی علیه دوباره ملکیت خود دانسته و به دو پسرانش خط داده است در حالیکه قبلاً کدام ترکه صورت نگرفته بود که ملکیت وی گردانده شده باشد فقط موضوع غصب است .

استدعا: من مدعی هذا میخواهم و طلب دارم که مدعی علیه هذا ملزم و مکلف نمایند تا از اله ید باطله اش را به اثبات ید حقه من مدعی در موازی (686/45) متر مربع زمین که حق من مدعی از مدرک متروکه مورث اعلی من میباشد تا کنون میان ورثه شرعی و مستحق الارث مان ترکه و تقسیم نگر دیده است که عملاً در تصرف و ذوالیدی مدعی علیه هذا قرار دارد افزاز برای من تسلیم نمایند.

فشرده صورت دعوی:

من مدعی علیه بالااصاله در حالیکه دارای اهلیت شرعی و قانونی خود بوده و میباشم دفاعیه خود را علیه صورتدعوی مدعی مذکور که او نیز مانند من دارای اهلیت شرعی و حقوقی خود بوده نیلأ تقدیم جلسه قضائی مینمایم. قطعه زمین مدعی بها به مساحت (4021) متر مربع محدوده صورت دعوی مدعی را بتاريخ 1387/10/4 به بیع بات قطعی شرعی مبلغ دولک افغانی من مدعی علیه از شخص دیگری خریدم حینیکه زمین مذکور را خریداری کردم در آن نهال غرس کردم زمین لچ خریدگی ام را باغ احداث و در آن با مصرف گراف تعمیر اباد کردم که مدعی خود میدانند و در 11 سال هیچ کس ادعای نکرد در مورد شاهدان هم موجود است عقد بیع مذکور در مطابقت به هدایت ماده های (108-102-101-167-168-169-361-497-168-167-117-101-102-103-108) مجله الاحکام و هدایت ماده (1037، 1035، 1043) قانون مدنی بین من مدعی علیه و بایعه مادر مدعی انجام یافت و به هدایت ماده (374، 106) مجله الاحکام و هدایت ماده (690 و 1043) قانون مدنی عقد بیع منعقد و نافذ شد و حکم بیع منعقد و نافذه مطابق ماده (369) مجله الاحکام افاده ملکیت رامی نماید. اکنون باید پرداخت به دفع دعوی کاذبه مدعی مذکور فوق در سال 1396 مدعی با یک تعداد دیگر در مورد کل متروکه دعوی به راه انداخت که به عدم اثبات دعوی مذکوران ولسوالی بهارک به فیصله (289-29) مورخ 1397/11/28 اصدار حکم شد در مورد (4021) متر مربع باغ و حویلی من که در اصل زمین بود به اعتبار قباله مورخ 1397/10/6 و شهادت شهود برای مدعی علیه به بیع قطعیه به فروش رسانیده مدعی بها بمن ثابت شد مدعی در مورد اثبات پافشاری کرده گفت در مورد من مدعی با وجود اینکه شهادت شهود در جلسه قضائی بتاريخ 1396/12/6 و قباله عرفی 1387/10/6 مدعی بها ثابت شد چون قانونا محدوده مذکور که (4021) متر مربع است به بیع قطع از شخص ثالث خریده بودم. مدارک اثباتیه در روشنی ماده (281) قانون اصول محاکمات هر سه مدارک اثباتیه یعنی سند، شهادت وقراین توضیح شده سند مورخ 1387/10/6 شهادت شهود، قراین قاطعه که همه ورثه از جریان خرید من و اعمار تعمیر واحداث باغ بچشم می دیدند طبق حکم ماده (1031 و 1034) قانون مدنی قرینه قانونی مستنبطه به خریداری من است. در حالیکه هیچ راهی برای مدعی علیه نمانده بود در مورد اینکه در ورقه صورت دعوی گفته که با پدرم خاک بدل کردند و به فرزندش خط داده است دروغ است دادن خط به من و دیگر فرزندانش حقیقت ندارد من از کسی دیگر خریداه ام لهذا دعوی اش را در تخطی از ماده های فوق الذکر دانسته میخواهم وطلب دارم که به عدم سهم دعوی مذکور اصدار حکم فرمایند دو ورق کاپی شهادت شهود و یک ورق کاپی قباله مورخ فوق ضم هذا تقدیم است.

دفع دعوی



<p>از نظر اهل خبره غرض افزای سهام ورثه استفاده شده .</p> <p>استدلال دیوان مدنی و حقوق عامه محکمه استیناف : مدعی ادعای سهم موروثی خود را از یک قطعه زمین آبی متروکه پدرش علیه مدعی علیه نموده که مدعی علیه در برابر دعوی مدعی چنین دفع نموده که زمین مدعی بها طی یک تقسیم رضائی سال 1372 به عنوان هشت یک به مادر مدعی تعلق گرفته که در سال 1387 در بدل (200000) هزار افغانی به بیع قطعی بالای من به فروش رسانیده مدعی اظهار میدارد که در سال 1372 من مصروف تحصیل در حالت مهاجرت در کشور پاکستان بودم موصوف از تقسیم رضائی و فروخت مادرش انکار داشته مدعی علیه در برابر دعوی مدعی متوسل به دو نکته گردیده اول اینکه در سال 1372 متروکات پدر مدعی تقسیم رضائی گردید اگر چه مدعی حضور نداشت اما بعد از اطلاع ، به ان تقسیم قناعت و رضایت نشان داده بود، دوم زمین مدعی بها هشت یک مادر مدعی بود که بالای من بفروش رسانیده و از مدعی علیه راجع به اینکه مدعی به تقسیم رضائی که در غیابت وی صورت گرفته قناعت و رضایت نموده باشد مدارک و دلایل اثباتیه مطالبه گردید که موصوف کدام مدارک ارائه کرده نتوانست و در جواب استعمال تاریخی 1398/10/19 خواهان سوگند مدعی گردیده که بعد از استخلاف مدعی علیه و توجیه سوگند مدعی الاصل موصوف با اسم ذات الله سوگند یاد نمود بناءً از مدعی علیه راجع به فروخت مادر مدعی الاصل دلایل و مدارک اثباتیه مطالبه گردید موصوف قباله عرفی تاریخی 1387/10/6 را تقدیم محکمه نموده از اینکه مادر مدعی الاصل وفات نموده مدعی سند متذکره را جعلی خوانده بناءً از مدعی علیه خواسته شد تا کسانیکه در سند دست داشته وی به حیث شاهد مجلس عقد شصت و امضاء نموده معرفی و غرض ادای شهادت به محکمه حاضر نماید که موصوف مهلت خواست برایش مهلت قانونی داده شد مورخ 1398/10/21 الیوم مورخه 1398/10/24 مدعی با دو نفر شاهدانش و مدعی علیه حاضر محکمه گردیده شاهدان موصوف در حضور طرفین دعوی علی سبیل التعاقب والانفراد ادای شهادت نموده . از اینکه شهادت شاهدان فوق الذکر با یک دیگر موافق و با دعوی مدعی مطابق بود مورد قبول هیئت قضائی قرار گرفت بعد از مشهود علیه پرسیده شد که پیرامون شهادت شاهدان چه گفتنی داری؟ ، در شهادت شان صادق اند یا خیر؟ موصوف شاهدان را در شهادت شان صادق ندانست؟ با در نظر داشت جرح وارد در تذکبه سری و علنی عادلان و مقبول الشهادت تثبیت گردیدند . بعد مطابق هدایت ماده (1951) قانون مدنی هیئت اهل خبره غرض افزای سهم مدعی و سهام سائر ورثه توظیف گردید که هیئت متذکره نظریه خویش را توأم با قناعت طرفین دعوی تقدیم نموده اند سر انجام ختم تحقیق اعلام گردید.</p> <p>اسباب حکم: نظر با اینکه مدعی ادعای غصب سهم مورثی خود را در یک قطعه زمین علیه مدعی علیه داشته و مدعی علیه موصوف در برابر دعوی مدعی چنین دفع نموده که در سال 1372 املاک متروکه مورث مدعی بین ورثه تقسیم گردید که با ساس تقسیم رضائی زمین مدعی بها سهمیه مادر مدعی گردیده بود که مدعی گرچه در وقت تقسیم حضور نداشت و بعد از اطلاع به تقسیم مذکور، قناعت و رضایت نشان داده بود و در سال 1387 ما در مدعی، مدعی بها را که حق خالص وی بوده به بیع قطعی بالای من به فروش رسانید از اینک مدعی علیه به غیابت مدعی اعتراف داشته قناعت و رضایت مدعی را به تقسیم رضائی که در غیاب وی صورت گرفته ثابت کرده نتوانست که در این مورد مدعی با اسم ذاتیه الله سوگند یاد نمود و مدعی علیه فروخت مادر وی را بالای خود به شهادت دونفر شاهدان ظاهر العدالة و مقبول الشهادت باثبات رسانیده که فروخت زمین مدعی بها را فقط در سهم خود به مساحت (586,39583) متر مربع جائز و نافذ بوده بناءً در مورد تصمیم ذیل اتخاذ گردید</p>	<p>نظر اهل خبره :</p>
<p>ماهیت قضائی دیوان مدنی و حقوق عامه محکمه استیناف ولایت بدخشان در جلسه قضائی علنی تاریخی 1398/11/9 در حال حضور طرفین دعوی با تفاق آراء طبق هدایت ماده (01952) قانون مدنی و مواد (214و215) مجله الاحکام و فقره (2) مواد (272و 281) و فقره (3) ماده (321) قانون اصول محاکمات مدنی با ثبات دعوی تو مدعی هذا مطابق به تفصیل بخش تحقیقات در مقدار (586,39583) متر مربع از مجموع زمین مدعی بها و به الزامیت تومدعی علیه مذکور هذا اصدار حکم نمودیم و گفته شد برای تحریرات از مجموع مبلغ (117400) افغانی قیمت مدعی بها مبلغ (11741) افغانی محصول فیصله هذا توسط محکوم علیه تحویلی خزانه دولت گردد.</p>	<p>نص حکم دیوان مدنی و حقوق عامه محکمه استیناف :</p>
<p>سبب قطعیت حکم محکمه :</p>	<p>به اساس حکم قانون</p>